

بازتاب چگونگی پیوند رنگ، رنگ‌واژه‌ها و صور خیال، در دیوان قآنی شیرازی

رویین تن فرهمند* احمد جعفری سیریزی**

دانشگاه ولی عصر^(عج) رفسنجان

چکیده

عنصر رنگ که از نظر علمی، بازتاب نور بر پدیده‌های طبیعی است، از قدیم مورد توجه بشر بوده است. کاربرد رنگ در جشن‌ها، آیین‌ها، سوگواری‌ها، نهضت‌ها، نشان سپاهیان و پرچم کشورها، آشکار و نمادین بوده است. عنصر رنگ، در انواع هنرهای تجسمی و در شعر و ادب فارسی نیز کاربرد و جایگاه ویژه‌ای، داشته است. در شعر فارسی، شاعران آفاق‌گرا که پیوندی ژرف با طبیعت دارند، همواره کوشیده‌اند با بهره‌گیری از انواع رنگ‌ها و به‌کارگیری آن در شعر، تجربه‌های خویش را به خواننده، منتقل کنند. قآنی شیرازی، از شاعران نامدار سبک بازگشت، با بسامد کاربرد ۱۱۹۰ بار عنصر رنگ، رنگ‌واژه‌ها و تداعی‌کننده‌ی رنگ‌ها، در قصاید، ترکیب‌بندها، ترجیع‌بندها، مسمط‌ها، قطعه‌ها و غزل‌هایش، تابلوهایی رنگین ساخته و کوشیده تا همه‌ی حواس خواننده را با مظاهر طبیعت و تابلوهایی که آفریده، مشغول دارد. از این نظر، دیوان قآنی به تابلویی می‌ماند که رنگارنگی آن چشمگیر است. در این پژوهش، بسامد رنگ و چگونگی کاربرد آن در دیوان قآنی، بررسی و تحلیل شده و چگونگی تصویرآفرینی شاعر بر مبنای عنصر رنگ، به صورت توصیفی-تحلیلی، آمده است. قآنی، با استفاده از استعاره، تشبیه، کنایه و آفرینش تصاویری مترکم که بسامد فراوان رنگ و بو در آن‌ها آشکار است، حواس مخاطب را با گوناگونی تصاویر شعرهایش، درگیر می‌کند. رنگ‌های آمیغی، تشبیه مرکب و انبوهی تصاویر رنگی در توصیف مناظر بزم، رزم، معشوق و بهارستانی، از شیوه‌های پردازش و ترازش شعر قآنی است. گل‌ها، کانی‌ها، نام‌های جغرافیایی، داستان‌های شاهنامه و اشارات دینی نیز در کارگاه خیال تصویرآفرین قآنی، نقش برجسته‌ای دارند.

واژه‌های کلیدی: بازگشت ادبی، رنگ، صورخیال، قآنی شیرازی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی rooyintanf@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

** دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی jafariahmad495@yahoo.com

۱. مقدمه

توصیف، یکی از اغراض شعر به‌شمارمی‌آید و محصول کارگاه خیال شاعر است. شاعرانی که از حواس نیرومندتر و ذهنی پویاتر بهره‌مند بوده‌اند، در اشعار مبتنی‌بر توصیف، دستی داشته‌اند. توصیف را گونه‌ای تصویربرداری از پدیده‌های طبیعت و شکار لحظه‌ها می‌توان دانست. «وصف، عبارت است از نقاشی و تابلوسازی اعم از اینکه شاعر به مجسم‌نمودن مشهودات و محسوسات طبیعی و جسمانی مانند توصیف مناظر طبیعت و مجالس بزم و معارک رزم و شکار و یا توصیف جمال معشوق و کمال ممدوح، پردازد.» (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۱۰۶) از جمله حواس بسیار ارزشمند در توصیف، بینایی است. بسیاری از شاعران حس بینایی نیرومندی داشته و گویی در آفرینش اشعارشان، همه‌چیز را لمس و حس کرده‌اند؛ در نتیجه شعر آنان گونه‌ای نقاشی و نگارگری است. «وصف، نه تنها از لحاظ کلیت و اشمال آن بر بیشتر اغراض شعر دارای اهمیت و اعتبار فراوان است، بلکه اهمیّت آن بیشتر از این جهت است که با روح، طبع، ذوق و ابتکار شخص شاعر، ارتباط دارد.» (همان: ۱۰۷)

رنگ، یکی از عناصری است که در تصویرآفرینی و توصیف شاعران، کاربرد و بسامد فراوانی دارد. رنگ از دیرباز در هنر، ادبیات، مذهب، سیاست، آیین و آداب، بیرق، پرچم، نهضت‌ها، قیام‌ها و... کاربرد داشته و عنصر ارزشمند برای بازتاب احساسات شاعران و صّاف است. «رنگ، یکی از موثرترین عوامل آفرینش صورخیال در شعر است، هم از نظر مجازی‌های زبان شعر، هم از حیث اهمیّتی که در خلق تشبیهات و استعاره‌های متحرک و حسّی دارد.» (انوشه، ۱۳۷۶: ۶۸۶) نویسنده، سپس، به حساسیّت شاعران به مقوله‌ی رنگ می‌پردازد. حساسیتی که از آن در تصویرآفرینی بهره می‌گیرند. (همان: ۶۸۸) شفیعی کدکنی معتقد است: «تصویر، عبارت است از مجموعه‌ی رنگ و شکل و معنی و حرکت.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۲۶۱)

یکی از شگردهای شاعرانه برای گسترش دامنه‌ی اندیشه، بهره‌گیری از تصویرآفرینی، صورخیال، است. در واقع، هریک از صورخیال، بیان‌کننده‌ی حالتی است که از رهگذر بیان شاعر، به صورت تصویری هنری و زیبا ارائه می‌شود؛ به عبارت دیگر، تصویرسازی‌های شاعران، بیان‌کننده‌ی لحظه‌هایی است که با دنیای درونی هر شاعر سروکار دارد. درحقیقت، شعر هر شاعری، به‌ویژه تصاویر او، نشانه‌ی نگرش هنری اوست. شفیعی کدکنی، تجربه‌ی شعر را با ناخودآگاه و روان شاعر، پیوند می‌زند و آن را

بازتاب چگونگی پیوند رنگ، رنگ‌واژه‌ها و صور خیال، در دیوان قآنی شیرازی ————— ۱۸۷
مجموعه‌ای از حوادث زندگی شاعر می‌داند. (همان: ۲۱) صادقان، تصویرسازی را
گونه‌ای صحنه‌آرایی، نگارگری و به نقل از پلوتارک، شعر خوب را نقاشی می‌داند.
(رک. صادقان، ۱۳۷۱: ۱۸۰)

رنگ در نخستین نمونه‌های شعر فارسی تا شعر شاعران معاصر، بازتاب داشته و
همه‌ی شاعران، با توجه به توانایی قریحه‌ی شعری خویش از عنصر رنگ در تاروپود
اشعارشان، بهره برده‌اند. «جهان پهناوری که پیش چشم شاعر گسترده است، رنگارنگ
است و گونه‌گون. هر شاعر و نویسنده‌ای، بسته به ذوق و حساسیت خود برای بیان
آنچه در ضمیر خویش دارد، به برخی از ابعاد عالم بیرونی، بیشتر توسل می‌جوید.»
(یوسفی، ۱۳۷۲: ۲۹۱)

در دوره‌ی قاجاریه که مکتب بازگشت‌ادبی به‌منظور رویکرد به قصاید و غزل‌های
شکوه‌مند سبک خراسانی و عراقی ایجاد شد، شاعران در این زمینه طبع‌آزمایی کرده، از
همه‌ی عناصر شعر گذشته‌ی فارسی، از جمله عنصر رنگ، برای آفرینش قصاید و
غزل‌های خویش بهره‌بردند و با بهره‌مندی از عنصر رنگ نیز طبع‌آزمایی کردند. یکی از
این شاعران که در عرصه‌ی توصیف، تصویرآفرینی، طنطنه‌ی الفاظ و تقلید از گذشتگان،
خود را «خاقانی ثانی» (قآنی شیرازی، ۱۳۸۰: ۷۶۱ و ۷۶۳)، آرم خاقانی»، (همان: ۷۲۸) و
«خاقانی آسا»، (همان: ۹۲۲) می‌نامد، میرزا حبیب شیرازی است. وی، از شاعران مشهور
سده‌ی سیزدهم هجری است که در فاصله‌ی سال‌های ۱۲۲۳ تا ۱۲۷۰ ه.ق، در شعر و
شاعری فعالیت داشته است. (رک. آراین‌پور، ۱۳۷۲: ۹۳-۹۶)

قآنی شیرازی، در توصیف و آفرینش تصاویر شعری‌اش، از عنصر رنگ بسیار بهره
برده است. نگاه قآنی به عنصر رنگ و جلوه‌های مختلف آن شاعرانه است. رنگ،
در گزاره‌های شعری وی، گونه‌ای از حرکت، نگارگری و تنوع تصویرهاست. در اشعار
زیر، بسامد رنگ با حسب‌حال، تصویرآفرینی، حرکت، اغراق و توصیف، تناسب دارد:

ز آسمان سبزگون بختم سیه چشم سفید تن‌خشین و لب‌کبود و اشک‌سرخ و رنگ‌زرد
(قآنی شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۵۱)

ز ابر و اقحوان و لاله و شاه اسپرم بینی هوا اسود زمین ایض دمن احمر چمن اخضر
(همان: ۳۳۷)

خیمه‌ی زربفت زد بر چرخ نیلی آفتاب از پرند نیلگون آویخت بس زرین طناب

بال بگشود از پس شام سیه صبح سفید همچو سیمین شاهبازی از پی مشکین غراب
(همان: ۷۸)

یک خنده از لبانش و تا بنگری عقیق یک جلوه از رخانش و تا بنگری چمن
(همان: ۵۹۶)

رخش یک چمن گل لبش یک قدح مُل گلش غالیه بو مُلش غالیه شَم
(همان: ۵۵۰)

«صورخیال شعر قآنی دارای سبکی رنگارنگ است؛ بدین معنا که او از طبیعت، چه واقعی، چه ذهنی، تصاویری متنوع، جذاب و تازه، ارائه می‌دهد. او در به‌نمایش‌درآوردن صورت‌های خیالی و هنری طبیعت نه‌تنها از سنت‌های ادبی بهره‌می‌گیرد، بلکه در بیشتر این تصاویر هنری، تجربه‌های شخصی خود را اساس کار قرار می‌دهد و همین نکته است که او را در میان شاعران معاصرش، چهره‌ای برجسته می‌نماید.» (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۴۹)

قآنی برای پردازش تصاویر شاعرانه‌اش، از آرایه‌های لفظی و معنوی گوناگون و شیوه‌های ادبی بهره‌برده است. تشبیه و استعاره، مهم‌ترین ابزار تصویرآفرینی شاعر است. قآنی، از تشبیه بیشتر از دیگر صورخیال بهره برده است. تصاویر شاعرانه در شعر قآنی، رنگین است. «در صورخیال، رنگ یکی از مؤثرترین عوامل آفرینش است، هم از نظر مجازهای زبان شعر و هم از نظر اهمیتی که در خلق تشبیهات و استعاره‌های متحرک و حسی دارد.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۶۶: ۲۷۱)

قآنی را باید شاعر بانگ و آوا و رنگ نامید. قآنی، از همه‌ی مظاهر طبیعت برای ملموس و محسوس کردن رنگ و گسترش تصویرهای شعری‌اش، بهره برده است و این قولی است که اهل نظر نیز برآیند: «قآنی، زبانی پرمایه و بیانی آکنده از تصویر دارد. تشبیه‌ها و استعاره‌های او گه‌گاه به یک‌پرده‌ی نقاشی آب و رنگ درخشان و پر تالائو می‌ماند که نظر بیننده را بی‌اختیار مفتون و خیره می‌سازد.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۳۴۱)

کمیت و کیفیت رنگ و صورخیال در دیوان قآنی، برجسته است. تصاویری زیبا می‌آفریند. قآنی، شیفته‌ی چشم‌انداز و منظره است و با تخیل یگانه‌اش، آنچه می‌بیند در کالبد اشعارش می‌دمد. قآنی، همه‌چیز را زنده و جاندار، تصوّر می‌کند. «منظره‌سازی‌های رنگارنگ و عجیب نیز در دیوان قآنی کم نیست و شاعر با قدرتی هرچه تمام‌تر، مناظری را که گذشتگان بدان نپرداخته‌اند، توصیف می‌کند.» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۲۴)

یوسفی، قآنی را نگارگر می‌داند: «نگارگری و منظره‌سازی وی از

بازتاب چگونگی پیوند رنگ، رنگ‌واژه‌ها و صور خیال، در دیوان قآنی شیرازی _____ ۱۸۹
طبیعت که انعکاس مستقیم از مظاهر آن است، چنان با طراوت وزنده و پویا و شورانگیزاست و با تصویرهای زیبا توأم است که هر افسرده‌طبعی را به هیجان می‌آورد.» (یوسفی، ۱۳۷۹: ۳۲۴)

در این پژوهش که بر مبنای بررسی تمام دیوان قآنی، سامان پذیرفته، تلاش بر آن است که چگونگی بازتاب رنگ و پیوند آن با صورخیال (تشبیه و استعاره) در دیوان قآنی، واکاوی و بررسی شود. یادآوری این نکته لازم است که به دلیل حجم بیش از اندازه‌ی شاهدمثال‌ها، به ذکر نمونه‌هایی از بهترین اشعار در متن اکتفا گردید. در این پژوهش، فراوانی گونه‌های رنگ و چگونگی پیوند آن با صورخیال، به صورت توصیفی-تحلیلی، بررسی شده است. با توجه به سرآمدی شعر قآنی در سبک بازگشت و پر بسامدی و تنوع رنگ و آفرینش تصاویر شاعرانه‌ی رنگ‌محور، ضرورت پژوهشی از این نوع، احساس می‌شد.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

اکنون به برخی پژوهش‌ها که به دیگر جنبه‌های سبک شعر قآنی و عنصر رنگ در شعر فارسی، مربوط است، اشاره می‌شود: زرین‌کوب (۱۳۷۹) با اشاره به طنطنه و شکوه ظاهری قصاید قآنی، تشبیه‌ها و استعاره‌های به‌کاررفته در اشعار شاعر را پرده‌ی نقاشی آب و رنگ درخشان، می‌بیند. یوسفی (۱۳۷۹) قآنی را سخن‌پردازی توانا می‌داند و به شیوه‌ی زیبا و تعبیرات رنگین او اشاره می‌کند. اویسی و صادقی (۱۳۹۴) آموزه‌های تعلیمی پریشان قآنی را بررسی کرده‌اند. فؤادیان و عزیزی (۱۳۸۸) «سبک شعر قآنی و اثرپذیری آن را از ادبیات مصنوع مملوکی و عثمانی» مورد توجه قرار داده‌اند. محمد مجوزی و رمضان مجوزی (۱۳۹۵) به «سبک‌شناسی زبان موسیقایی شعر قآنی» پرداخته‌اند. «قآنی شیرازی در مکتب بازگشت در دوره‌ی قاجار» (۱۳۹۲)، نام مقاله‌ای از مختار ابراهیمی است. رضایی و فرهمند (۱۳۹۱) «تأثر قآنی از حافظ» را تحلیل و بررسی کرده‌اند. کرمی و همکاران (۱۳۹۴) دو سروده از انوری و قآنی را مقایسه کرده‌اند. شفیع‌کدکنی (۱۳۶۶) در صفحه‌های ۲۶۷-۲۸۷ صور خیال در شعر فارسی، به عنصر رنگ و موضوع حس‌آمیزی اشاره کرده است. لوشر (۱۳۸۸) در روان‌شناسی رنگ‌ها، به رنگ از منظر روان‌شناسی و معناشناسی پرداخته و به رابطه‌ی شخصیت در انتخاب رنگ‌ها، اشاره کرده است. سادکا (۱۳۹۰) در روان‌شناسی رنگ‌ها، با اشاره به

سیستم رنگ دیویی، به رابطه‌ی رنگ و نقش آن در زندگی انسان پرداخته است. نویسنده، رنگ و چگونگی انتخاب آن را با دیدگاه روان‌شناختی و با مراحل رشد و پیشرفت انسان، پیوند داده است. صدیقی (۱۳۸۴) در جستجوی خوش‌خاکستری، به رنگ و رنگ‌واژه و چگونگی بازتاب آن در اشعار نیمایوشیج، فرخ‌زاد، هوشنگ‌ایرانی، سپهری، اخوان ثالث، شاملو و رویایی، پرداخته است. صفری و زارعی (۱۳۸۹) در مقاله‌ی «بررسی عنصر رنگ در دیوان خاقانی»، با اشاره به ارتباط رنگ و حالات روحی انسان، کاربرد رنگ در دیوان خاقانی را بررسی کرده و اشعار شاعر را از منظر زیبایی‌شناسی و صورخیال در ارتباط با رنگ، مورد توجه قرار داده‌اند. حسن‌لی و صدیقی (۱۳۸۲) اشعار سپهری را از منظر رنگ، بررسی کرده‌اند. نیکوبخت و قاسم‌زاده (۱۳۸۴) به زمینه‌های نمادین رنگ در شعر معاصر، پرداخته‌اند. مرادی (۱۳۹۵) در مقاله‌ی «تنوع متمایز رنگ در اشعار حسین منزوی و تحلیل جلوه‌های نوآورانه و تقلیدی آن»، چگونگی بازتاب رنگ را در اشعار منزوی، به گونه‌ای توصیفی-تحلیلی، بررسی کرده است. باتوجه به آنچه گفته آمد، تاکنون، پژوهشی مستقل در زمینه‌ی چگونگی بازتاب رنگ در دیوان قآنی، انجام نشده است.

۳. معنای لغوی واژه‌ی رنگ در دیوان قآنی شیرازی

در کارگاه خیال قآنی، واژگان مرتبط با رنگ، هرچه متنوع‌تر باشند، عطش تصویرآفرینی شاعر بانگ و رنگ را بیشتر سیراب می‌سازند. واژگان شب، مشک، غالیه، گل، جگر، باده، قمر، خون، خضاب، قیر، ظلام، خط، لاله، جفون، شفا، نی، نیشکر، عقیقی و آهن در کنار واژه‌ی رنگ، ترکیبات اضافی محسوسی می‌سازند تا قآنی بتواند تصاویری رنگین از بزم ممدوح، تمثال معشوق و پدیده‌های طبیعت، بیافریند. قآنی، واژه‌ی رنگ را در معانی مختلف، به دفعات در اشعارش به‌کاربرده است. بیشترین بسامد واژه‌ی رنگ، مربوط به معنای لغوی و دلالت اصلی واژه‌ی رنگ است. قآنی از واژه‌ی رنگ حدود ۱۰۰ مرتبه، بهره برده است. وی، واژه‌ی رنگ را ۶۸ مرتبه در معنای فام (قآنی شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۴۱، ۱۷۶، ۳۷۷، ۸۲۳، ۸۳۲، ۹۱۶)، ۱۲ مرتبه در معنای نیرنگ و فریب (همان: ۳۱۳، ۵۰۴، ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۱۸، ۶۲۹، ۷۳۵، ۷۲۶)، ۲ مرتبه در معنای روش، شیوه و آیین (همان: ۳۱۳، ۵۷۲)، ۱ مرتبه در معنای ناراستی و خیانت (همان: ۷۲۶)، ۱۲ مرتبه، در معنای رونق‌کار، زیبایی، درخشندگی و جلوه‌گری (همان: ۱۹۳، ۲۴۲، ۲۸۲،

بازتاب چگونگی پیوند رنگ، رنگ‌واژه‌ها و صور خیال، در دیوان قآنی شیرازی ————— ۱۹۱

۲۸۶، ۳۹۵، ۴۰۶، ۴۰۹، ۴۱۶، ۵۱۳، ۵۱۴، ۷۳۳، ۹۵۷، ۸۳۲، ۹۶۹، ۲ مرتبه، در معنای گوسفند و بزکوهی، (همان: ۵۰۸، ۵۱۳)، ۳ مرتبه در معنای محنت، رنج و آزار (همان: ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۱) و ۱ مرتبه در معنای بازتاب، (همان: ۲۹۵) به‌کاربرده است.

۴. فراوانی رنگ‌ها و چگونگی بازتاب آن در اشعار قآنی

سیاه، ۳۳۵ مرتبه در اشعار قآنی، کاربرد داشته است: سیا، قیرگون، مشکین، کبود، قار، قطرانی، قیرآگین، سیه، داج، لاجورد و کبودگون (همان: ۵۰، ۴۹، ۹۰۶، ۷۲۱، ۲۷۶، ۱۳۲، ۸۱۳، ۷۷۷، ۷۷۹، ۹۱۹، ۹۰۷، ۹۴۹)، سیاه برای توصیف ابر، هوا، کاکل، کهن پشته، قلزم، جامه، زلف، چرخ، قُلم، ابر، طاق، شب و دریا، کاربرد دارد. نمونه‌ها:

صبح سپید آیت روی مبارکش شام سیاه حجت موی معبرش
(همان: ۹۰۹)

زغم چون شام تاریک است روز دشمنم تاتو شب تاریک را بر روز روشن سایبان کردی
(همان: ۷۷۸)

زلف سیهت بر آن رخ روشن کفری است که حامی است ایمان را
(همان: ۵۷)

عود قمار، غالیه، مشک سوده، یک قبیله مور، دسته‌ی سنبل، نیلی پزند، خط‌مشکین، مشکین‌رسن، سوارحبش، کمند غالیه‌رنگ، قار، اغبر، کفر، زاغ، پر پرستو، رُطب، ابرسیما، بنفشه، طاق لاجورد، آبنوسین تخته نرد، قطران، حقه‌ی عنبر، پر غراب، عنبرین چادر، زغن، دسته‌ی ریحان (همان: ۱، ۴۶۸، ۵۰۹، ۱۳۲، ۵۰، ۷۷۷، ۷۳۷، ۶۰۴، ۳۶۱، ۹۳۰، ۹۰۷، ۱۵۱، ۸۱۵، ۹۳۱، ۲۶۲، ۲۹۶، ۱۵۷، ۱۷۳، ۳۵۵، ۳۶۹، ۳۷۷، ۸۸۸، ۴۳۸، ۱۴۹، ۵۰۸، ۳۵) ... واژگان و ترکیباتی هستند که در پیوند با رنگ سیاه، کاربرد دارند. قآنی، این شیوه را برای گسترش دلالت معنایی رنگ سیاه، به‌کاربرده است؛ نمونه‌ها:

بر نار تفته دسته‌ی سنبل کسی نکشت یک دسته سنبلی تو که بر نار تفته‌ای
بر نار کفته حقه‌ی عنبر کسی نیست یک حقه عنبری تو که بر نار کفته‌ای
(همان: ۹۳۱)

رنگ سرخ ۲۰۶ بار در دیوان قآنی به‌کاررفته است: سرخ، حمرا، احمر، رنگین، لاله‌رنگ، آتشین، گل‌رنگ، می‌گون، لعل‌رنگ، رمانی، گل‌رنگ، شقایق‌رنگ، گل‌ناری، نارگون، نگارین، یاقوت‌فام، شنجرفی و ترنجی (همان: ۵۲۷، ۵۱۴، ۱۴۵، ۱۱۳، ۴۹۷،

۱۹۲ ————— مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۱، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۹۸ (پیاپی ۴۲)

۷۷۳، ۴۱۰، ۹۴۲، ۵۹۶، ۶۲۱، ۷۶۱، ۹۲۹، ۵۰۱، ۴۶۸، ۲۵۶، ۳۳، ۳۷۵، ۶۹۹، ۵۰۱، ۸۰۴،
درکنار واژگان لاله، دمن، می، رخ، لب، تیر، گرداب، باده، لب، می، یاقوت، باده، خون،
اشک، لعل، رخ، می، لعل، رخس، لب، باده، دیده و چرخ، ترکیب‌هایی وصفی
می‌آفرینند و تنوع بازتاب رنگ سرخ را در دیوان شاعر نشان می‌دهند؛ نمونه‌ها:

باده‌ی یاقوت‌فام در دل الماس‌جام هست چو تابنده‌مهر بر فلک زرنگار
(همان: ۴۱۰)

تا چهره‌ی زرین کنم از ساغر گلگون گلفام می‌رنگین در جام زر انداز
(همان: ۴۶۸)

گر نکشد سرخ گل نقاب ز چهره بلبل مسکین چگونه برکشد آوا
(همان: ۴۲)

لاله‌برگ، لاله، چشم خروس و خون کبوتر، گل سوری، مرجان، خضاب، عناب،
آتش‌تر و آب گلگون، یاقوت، یاقوت‌تر، دو فندق، بیجاده، روین و عناب، طبرخون، آل
و نگارین (همان: ۳۷۸، ۳۲۳، ۵۰، ۳۳۸، ۸۰۹، ۱۱۶، ۱۰۲، ۳۴۱، ۵۱۳، ۴۶۸، ۵۷۰، ۳۷۸،
۱۰۴، ۷۰۴، ۹۴۲، ۹۳۱)، واژگان و ترکیب‌هایی هستند که قآنی با آن‌ها تصاویری رنگین
می‌آفریند و در کارگاه اندیشه‌ی خود، برای توصیف چهره، لب و اندام معشوق، شراب،
اشک و دیگر پدیده‌های زمینی و گسترش دامنه‌ی تصاویر رنگینش، بهره می‌برد. این
واژگان، به‌گونه‌ای استعاری برای بازتاب رنگ سرخ در اشعار قآنی به‌کاررفته‌اند.

چشم خروس ریختم از نای بلبله وز حلق ببط فشاندم خون کبوترا
(همان: ۵۰)

ندیدم تا ندیدم خنجر الماس فعل او که از زمرد چکد مرجان و از آهن لعل رمانی
(همان: ۸۰۹)

رنگ سپید، ۱۵۳ بار در دیوان قآنی، به‌کاررفته‌است. سپید، سیمین، بیضا، سیمایی و
اشهب (همان: ۵۴۹، ۴۵۲، ۱۳۲، ۶۱۱، ۱۰۱)، برای توصیف آهو، زورق، مگس، عارض،
سرین، چه، عاج، ژاله، چهره، نقره، پشه، سینه، ساق، جامه، غبغب، روز، موی، بلبله، و
صبح، کاربرد دارند؛ نمونه‌ها:

باز سفید روز بپرید ز آشیان زاغ شب سیاه بگسترده شهرپرا
(همان: ۴۹)

بازتاب چگونگی پیوند رنگ، رنگ‌واژه‌ها و صور خیال، در دیوان قآنی شیرازی ————— ۱۹۳

ای طره‌ی مشکین تو با مشک پسر عم وی چهره‌ی سیمین تو با سیم برادر
(همان: ۲۴۰)

صبح سپید آیت روی مبارکش شام سیاه حجت موی معبرش
(همان: ۹۰۹)

شاعر، آهوی سیمین، سلطان‌روم، مهره‌های سپید، نسرین، برگ سیسنبر، رومی‌تن، برگ‌یاسمن، سپید آهوکان، پیکان‌های سیمین، مهره‌ی سپید، نسرین، سیمینه‌طشت، حواصل بچگان (همان: ۱۴۴، ۵۹۶، ۹۵، ۱۴۲، ۱۸۷، ۱۴۴، ۴۹، ۴۴، ۱۵۵، ۱۵۱، ۱۸۷، ۸۸۴، ۷۹) و... را به صورت استعاره در وصف خورشید، ساقی، معشوق، روی، روز و ستارگان، به‌کار می‌گیرد. بیشترین بسامد کاربرد رنگ سفید مربوط به مجالس بزم، ساقی، سیمای ساقی، چهره و اندام معشوق است. قآنی، برای آفرینش این تصاویر، از قمر، نسرین، سیم، آینه، استبرق (همان: ۵۱، ۳۶۹، ۳۷۷، ۴۸۵، ۳۸۷) و... بهره می‌برد.

ابر آمد و سیم ریخت بر هامون باد آمد و مشک بیخت بر صحرا
(همان: ۴۶)

نشیب مشک ختن راغ نسرينش فراز برگ سمن باغ ریحانش
(همان: ۴۸۵)

قآنی ۶۹ بار رنگ زرد و آن‌چه رنگ زرد را به‌خاطر می‌آورد، در دیوان آورده است: زرد، اصفه، زرین، رنگ‌نی، رنگ‌زعفران، زردفام (همان: ۷۲، ۲۳۵، ۴۶۸، ۹۱۶، ۲۰۱، ۱۴۴) در وصف چهره، روی، طناب، تیغ، عقاب، یاقوت، عنکبوت، لعاب، نهنگ، زورق، خیری، مژه، جام و شراب در دیوان قآنی کاربرد دارد:

بر روی زرد من لب‌شیرین به عشوه سود و این حرف‌شد یقین که به نی‌هست شکرا
(همان: ۴۹)

قنینه را خفقان و پیاله را یرقان ز عکس سرخ می و رنگ باده‌ی اصفه
(همان: ۲۹۵)

از آن‌شراب که چون شیر خورد سرخ شود ز عکس او همه نی‌های زرد در آجام
(همان: ۵۷۲)

قآنی برای تکثیر رنگ زرد و گسترش تصاویر شاعرانه‌اش، بیشتر پدیده‌های طبیعی که رنگ زرد را به‌خاطر می‌آورند، به‌کار می‌گیرد. کهربا، زعفران، جادی، سندروس، خیری، نعامه، مزعفری (همان: ۴۸۹، ۴۰۵، ۲۶۲، ۷۷۷، ۹۰۵، ۶۹۹، ۷۸۴) و... بازتاب‌دهنده‌ی

۱۹۴ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۱، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۹۸ (پیاپی ۴۲)

رنگ زرد هستند. طلوع و غروب خورشید، چهره‌ی عاشق، شراب و جام، نی و تاج، در کارگاه خیال شاعر و تصویرآفرینی‌اش با رنگ زرد در پیوند است؛ نمونه‌ها:

اگر نه صنع صباغی به من آموخت عشق تو چرا مشکم همه کافور گشت ولاله‌ام جادی
(همان: ۷۷۷)

فلک از ابرایدون آبنوسی گشته خورشیدش چمن از باد ایدر سندروسی گشته نسرنش
(همان: ۴۸۹)

رنگ سبز ۵۹ بار در دیوان / شعار قآنی، به‌کاررفته است. واژه‌های خط، خضرا، سبز، اخضر، سبزگون، هم‌رنگ زمرد، زمرد، آینه‌فام، زنگارگون و زمردین (همان: ۳۵۹، ۶۳، ۱۲۷، ۱۰۲، ۲۳۹، ۱۵۱، ۱۹۳، ۱۲۷، ۷۹، ۷۰۴، ۳۸۳)، برای توصیف خط، گردون، تیغ، قراب، نگین، گنبد، روضه، بوستان، لجه، دریا، عمامه، آسمان، سپهر، بال، نهنگ، چمن، شلوار و عمامه به‌کاررفته‌اند؛ نمونه‌ها:

ور چشم زنی به جانب ناهید سوی تو چمد زگنبد خضرا
(همان: ۴۸)

شهروزه‌ای به درگه، سلطان انجمش فیروزه‌ای ز خاتم، گردون اخضرش
(همان: ۹۰۹)

خط سبزش نظرکن درشکنج‌زلف تادانی که دور چرخ طوطی را گرفتار زغن دارد
(همان: ۱۵۷)

زنگار، خط، طوطی، ریحان، لجه، نطع‌زمرد، گلشن، شمشیر، زمرد، قراب و کشته (همان: ۱۲۷، ۴۸۷، ۷۳۷، ۴۸۸، ۲۷۷، ۴۶۹، ۲۳۹، ۳۵۴، ۸۰۹، ۷۶۹، ۸۹۹)، در دیوان قآنی به‌منظور ایجاد تصویر سبز، به‌کاررفته است. ترکیبات وصفی و تصاویر استعاری، برای آفرینش رنگ سبز در دیوان قآنی، کارآیی دارد. بیشتر توجه شاعر به آسمان و فلک، معشوق، گلشن و چمن، بوستان، پرمگس، طوطی و امور حسی است. رنگ سبز در دیوان قآنی کاربردی یکنواخت و تکراری دارد و شاعر نتوانسته چندان در آفرینش هنری، از این رنگ بهره ببرد؛ نمونه:

هر نخل که در مغرس فضل تونشانند زمرد شودش شاخ و زبرجد بودش بر

(همان: ۳۴۶)

۵. مکان‌های جغرافیایی، اسامی حیوانات، پرندگان، درختان و اشیای تداعی‌کننده‌ی رنگ قآنی شیرازی از معدود شاعرانی است که از بیشترین پدیده‌های هستی، برای رنگین نمودن تصاویر شعری خود بهره برده است. نام‌های جغرافیایی که در شعر این شاعر، یادآور رنگ‌های سیاه، سرخ و سفید هستند، عبارتند از: قیروان، زنگبار، حبش، هند، سقلاب، روم، فرنگ، ختن، غاتفر، چین و کاشغر. طبرخون، ضیمران، غراب و حواصل نیز در تصاویر رنگی قآنی، مؤثرند. قآنی، در وصف معشوق، نی، ممدوح و شمشیر، از کاربرد واژه‌های سپید، سیاه و سرخ می‌پرهیزد و سقلاب، چین، روم، ضیمران، طبرخون، زنگبار و هندوستان را جایگزین می‌کند. زلف افشاندن بر چهره‌ی معشوق، شاعر را به یاد تطاول حبش در روم می‌اندازد. (همان: ۵۱۴) قآنی، زلف معشوق را از نژاد حبش و زنگی بی غلّ و غش (انسان‌وار) تصور می‌کند. نی را سقلابی‌پیکر، زنگی‌چهره و تازان به سوی روم و قیروان (کاغذ و جوهر)، می‌بیند. چهره‌ی معشوق را درون جعد مشکین، به حواصل زیر دو غراب، مانند می‌کند. (همان: ۵۱۷) پریشانی زلف معشوق را بر چهره‌اش، با یورش سپاه زنگبار به چین می‌سنجد. (همان: ۲۱۷) شاعر، در این تصاویر که وجه‌شبه مرکب دارند، با گریز از تکرار رنگ‌های فامی، از آرایه‌های استعاره و تشبیه برای یادآوری رنگ و آفرینش تصاویر، بهره‌می‌برد. از مطالعه و بررسی دیوان قآنی مشخص شد که حدود ۵۰ بیت از اشعار او حاوی اسامی جغرافیایی و نام‌های حیوانات و گیاهان و درختانی است که یادآور دو رنگ سیاه و سفید و به ندرت تداعی‌کننده‌ی رنگ‌های آمیغی (ترکیبی) هستند. ابیات نمونه را می‌توان در صفحه‌های ۲۰۸، ۲۲۳، ۲۴۹، ۴۱۵، ۴۶۸، ۶۶۳، ۶۷۱، ۷۰۲، ۷۰۵ و ۸۲۲ مشاهده کرد.

۶. ترکیبات اضافی تداعی‌کننده‌ی رنگ

قآنی در اشعارش ترکیبات اضافی را به گونه‌ای به کار می‌برد که مضاف‌الیه، تداعی‌کننده‌ی رنگ باشد؛ در واقع، مضاف‌الیه در ترکیب‌ها به گونه‌ای استعاری و در غیر معنی واقعی به کار می‌رود. در ترکیب‌های اضافی رنگ‌لاله، رنگ‌طره‌ی عذرا، رنگ‌جگر، رنگ‌سیم، رنگ‌حام، رنگ‌بام، رنگ‌قیر، رنگ‌خون، رنگ‌زغال، رنگ‌شیر، رنگ‌سپرغمی (همان: ۳۳، ۶۵، ۱۲۱، ۱۴۴، ۱۵۸، ۱۵۹، ۲۱۴، ۲۵۰، ۲۶۷، ۷۸۹، ۸۳۸، ۸۴۷، ۸۷۳)، مضاف‌الیه، تداعی‌کننده‌ی رنگ‌های سرخ، سفید و سیاه است. کاربرد این نوع ترکیبات که مضاف‌الیه آن‌ها یادآور رنگ است، در دیوان قآنی بسامد زیادی ندارد.

هرچند لعل رنگ جگر دارد زین صد هزار فرق بود آن را
(همان: ۶۵)

زانکه بر چرخ خلافت آفتاب خسروان از کسوف مرگ، چهرش رنگ نیلوفر گرفت
(همان: ۱۲۱)

شب گذشته که آفاق را ظلام گرفت ز تاب مهر زمین رنگ سیم خام گرفت
(همان: ۱۴۴)

چو باز چهره نمود از میان چنبر زلف ز رنگ طلعت او شام رنگ بام گرفت
(همان: ۱۴۵)

۷. رنگ و انواع تشبیه در دیوان قآنی

قآنی، از تشبیه بیشتر از دیگر صورخیال بهره برده است. او انواع تشبیه را در کلام خود به صورت دقیق و فشرده به نمایش می‌گذارد؛ با این حال فشردگی تشبیه‌های او به «تزام تصویر» منجر نشده است. قآنی با بهره‌گیری از عنصر رنگ و به‌کارگیری آن در آرایه‌ی تشبیه، بیشتر از محسوسات بهره می‌برد. او از تشبیهات حسّی استفاده می‌کند و بسامد تشبیهات محسوس به غیرمحسوس او نسبت به تشبیهات محسوس به محسوس، کمتر است. «تشبیه حسّی، بیرونی است و نسبت به صناعات دیگر ادبی همچون استعاره و نماد و حس‌آمیزی و تشخیص، خارجی‌تر است و عواطف شخصی کمتر در آن راه می‌یابد. تصویر حسّی محصول یک تأثیر حسّی از شیء خارجی است که بر ذهن می‌تابد و ذهن مثل آینه آن را با کلمات، منعکس می‌کند.» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۱۰۰) نویسنده، سپس با اشاره به تصاویر حسّی شاعرانه و پیوند آن با معرفت محاکاتی، آن را گونه‌ای عکس‌برداری از طبیعت می‌داند. (همان: ۹۹) اکنون، انواع تشبیه به اعتبار طرفین تشبیه در شعر قآنی، بررسی می‌شود:

۱.۷. تشبیه حسّی به حسّی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر قآنی، وجود تشبیه‌های حسّی و عینی در شعر اوست. قآنی، در این‌گونه تشبیه‌ها به وصف معشوق، طبیعت، باده و گاه ممدوح می‌پردازد. قآنی ۳۳۴ مورد تشبیه حسّی-حسّی با محوریت عنصر رنگ دارد. او در این‌گونه تشبیه‌ها، سعی در تراکم تصویر و آفرینش تشبیهات مبتنی بر عنصر رنگ، دارد.

بازتاب چگونگی پیوند رنگ، رنگ‌واژه‌ها و صور خیال، در دیوان قآنی شیرازی ————— ۱۹۷

قآنی، در گزاره‌های عشق‌محور، از مار زلف، رخان صندل‌سار، (قآنی شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۹۶)، لب لعل، عقیق سرشک، لب ناردان (همان: ۶۰۱)، یلدای زلف و خورشید چهره‌ی معشوق، (همان: ۷۲۱) مهر رخ و یاقوت لب (همان: ۳۵) سخن می‌گوید. سپیدگرد نشسته بر گیسوی غالیه‌گون معشوق به سوده‌ی کافور بر مشک، همانند است. (همان: ۷۴۴) قآنی در توصیف طبیعت، باده و مدح (همان: ۲۲۰، ۶۳۷، ۷۰۴) نیز از عنصر رنگ در تشبیه‌های حسی، بهره می‌برد. او به وجه‌شبه مرکب در این‌گونه تشبیه‌ها تمایل دارد. طره‌ی معشوق، در خون دیده را با پرزدن زاغ در خون خویش، داغ سیاه در میان سرخی لاله را با رنگ سوده‌ی عنبر در بسدین هاون و زلف و چهره‌ی یار را با شب یلدا و خورشید و عکس پر زاغ بر برگ‌های یاسمن و برآمدن خورشید را از چرخ نیلی، با رخ‌افروزی شاه از چتر همایون می‌سنجد. (همان: ۷۲۱، ۶۳۷، ۱۷۷، ۷۰۴) نمونه‌های دیگر را در صفحه‌های ۴۱، ۴۳، ۴۹، ۳۵، ۹۹، ۱۰۰، ۹۹، ۲۱۲، ۳۰۹، ۵۰۱، ۶۰۶، ۷۰۴، ۷۰۵، ۸۸۸، ۹۰۰ و ۹۴۹ می‌توان مشاهده کرد.

۲.۷. تشبیهات حسی به عقلی

در دیوان قآنی، ۴۶ مورد تشبیه‌های رنگینی که مشبّه، حسی و مشبّه‌به آن‌ها عقلی باشد، به‌دست‌آمد. پربسامدترین موضوع در این همانندی‌ها، زلف و چهره‌ی معشوق است که به سیاهی کفر، تاریکی ستم، نفرین، روشنی ایمان و آفرین، به گونه‌ای مرکب، مانند می‌شود. (همان: ۲۲۹، ۵۶ و ۹۳۸) از نگاه قآنی، تصویر غبار نشسته بر چهره‌ی معشوق، مانند‌نگاه بر ثواب است. (همان: ۷۴۴) مداد خامه و سوادنامه‌ی ممدوح نیز به پدیده‌های انتزاعی خال روح‌القدس و کحل حورالعین، شباهت دارد. (همان: ۷۱۴) نمونه‌های بیشتر را می‌توان در صفحه‌های (۵۶، ۱۰۰، ۲۱۵، ۳۴۹، ۴۰۶، ۶۰۱، ۷۰۴، ۷۴۴ و ۹۸۳)، مشاهده کرد.

زانکه بر چرخ خلافت آفتاب خسروان	از کسوف مرگ، چهرش رنگ نیلوفر گرفت	(همان: ۱۲۱)
زلف سیهت بر آن رخ روشن	کفریست که حامی است ایمان را	(همان: ۵۶)
چو فخری عزیز و چو فقری پریشان	چو کفری سیاه و چو ظلمی مکدر	(همان: ۲۲۹)

مداد خامه‌ی تو خال چهر روح‌القدس سواد نامه‌ی تو کحل چشم حورالعین
(همان: ۷۱۴)

زلف مشکین از دوسوی افکنده رقاصان به دوش از بریک آفرین گویی دو نفرین بسته‌اند
(همان: ۹۳۸)

۳.۷. تشبیهات عقلی به حسی

قآنی، به امور معقول برای پردازش تشبیه، چندان اهمیتی نمی‌دهد. ۳ مورد تشبیهاتی از این دست، در اشعار قآنی دیده می‌شود. این نکته بیان‌کننده‌ی این است که این شاعر با عالم محسوسات و طبیعت، سروکار دارد و تمام تلاش او در آفرینش تصاویر حسی است.

به آب و آینه ماند ضمیر روشن تو که آشکار کند رازهای پنهان را
(همان: ۶۲)

خورشید رایش از افق دل کند طلوع صد روز روشن از شب تاری کند همی
(همان: ۹۱۲)

نه جز در رواق ریاست نشستت نه جز بر سریر کیاست مقامت
(همان: ۱۴۹)

جدول شماره‌ی ۱: بسامد انواع تشبیه به اعتبار محسوس یا معقول بودن طرفین

ردیف	انواع تشبیه به اعتبار محسوس یا معقول بودن طرفین	تعداد	درصد فراوانی نسبت به تعداد کل
۱	تشبیه محسوس به محسوس	۳۳۴	۸۷/۳۶ درصد
۲	تشبیه محسوس به معقول	۴۶	۱۲/۶۳ درصد
۳	تشبیه معقول به محسوس	۳	۰/۷۸ درصد
۴	تشبیه معقول به معقول	∅	∅

۴.۷. تشبیه بلیغ

تشبیه بلیغ، تشبیه‌ی است که در آن نه وجه شبه ذکر شود و نه ادات. این نوع تشبیه، رساترین و زیباترین شکل تشبیه است؛ زیرا ادعای همانندی و اشتراک بین مشبه و مشبه‌به در این نوع تشبیه، قوی‌تر است. یکی از غرض‌های تشبیه بلیغ و تشبیه‌های کوتاه و فشرده در شعر فارسی، ایجاز است. قآنی از این نوع تشبیه به دو صورت تشبیه

بازتاب چگونگی پیوند رنگ، رنگ‌واژه‌ها و صور خیال، در دیوان قآنی شیرازی ————— ۱۹۹

بلیغ اضافی (اضافه‌ی تشبیهی) و تشبیه بلیغ اسنادی (غیراضافی) بهره برده است. نمونه‌های تشبیه بلیغ اضافی: زاغ زلف، کرکس آه، شنگرف شفق، درّ دندان، می‌خون، لب لعل، سیم‌اشک و زرچهره (همان: ۴۳، ۴۱، ۲۴۶، ۶۶۹، ۷۰۴، ۳۴۱) و نمونه‌های تشبیه بلیغ اسنادی: میان، تار-کتان، سرین، مهتاب، رخسار، خورشید، دیده‌ی من، ابر، قد، سرو، عارض، گل، خط، سبزه و لب، غنچه (همان: ۶۵۶، ۷۳۶، ۴۷۷)، وجه‌شبه، در این نوع تشبیه‌ها معمولاً رنگ‌های سیاه، سرخ، سفید و زرد است. قآنی، از این نوع تشبیه، ۱۲۹ مرتبه بهره برده‌است. برای دیدن نمونه‌های بیشتر به صفحه‌های ۴۱، ۷۹، ۱۳۳، ۲۱۲، ۲۸۶، ۳۵۲، ۴۴۰، ۵۵۵، ۶۱۴، ۶۸۴، ۷۶۳، ۹۰۸ و ۹۸۳ مراجعه کنید.

چهر حسودت ز سیم اشک مُفضَض اشک عدویت ز زر چهره مطلقاً
(همان: ۴۳)

میانت تار کتان‌است و آن سرین مهتاب ز ماهتاب بکاهد هماره تار کتان
(همان: ۶۵۶)

۵.۷. تشبیه جمع

تشبیه جمع، آن است که مشبّه یکی و مشبّه‌به، متعدد باشد. این نوع تشبیه، در دیوان قآنی، ۵ مرتبه به‌کاررفته‌است. محور این‌گونه تشبیه‌ها، معشوق، ممدوح، باده و وصف طبیعت است. از نگاه قآنی، پیکر و چهره‌ی معشوق، توده‌ی نسرين، خروار سیم و آتش و آب است؛ باده، در رنگ و بو، به لعل و مشک و در زیب و فر، به ماه و خور، همانند است؛ زمانه، به ملک زنگبار و رای اهرمن و ضمیر ممدوح، به آب و آینه مانند می‌شوند. در این تصاویر، رنگ‌های سفید، سرخ و سیاه کاربرد و بسامد بیشتری دارند:

به آب و آینه مانند ضمیر روشن‌تو که آشکار کند رازهای پنهان را
(همان: ۶۲)

ز من نلداری باور یکی در آینه بین که چهره‌ی تو به یک‌جا هم آتشتت وهم آب
(همان: ۱۰۱)

ز آن باده کزوی خار خشک آرد دو صد من بید مشک از رنگ‌و بو چون لعل و مشک از زیب و فر چون ماه و خور
(همان: ۳۸۶)

روزی که از غبار گردد زمانه تار چون ملک زنگبار چون رای اهرمن
(همان: ۶۰۵)

پیکرش یک توده نسرین است و یک خروار سیم سیم و نسرین را درینغ از ما چرا دارد همی
(همان: ۷۹۱)

۶.۷. تشبیه مجمل

تشبیه مجمل، به تشبیه‌ی گفته می‌شود که وجه‌شبهه در آن، ذکر نشده باشد. وجه‌شبهه در بسیاری از این نوع تشبیه‌های قآنی، رنگ‌های سیاه، سفید، سرخ و زرد است. این‌گونه تشبیه‌ها، در توصیف شب، با تشبیه شب به قیر و در توصیف جنگ، با تشبیه رمال و سپهر به سوده‌ی مرجان و توده‌ی قطران و زره به زلف عروسان و تبر به تاج خروسان کاربرد دارد. (همان: ۵۷، ۵۲۲، ۲۵۰) قآنی، در وصف معشوق، به زلف چون شب، رخ خورشیدوار، مار زلف مشکین و رخان صندلسار لعل چون بهرمن و نارگون (همان: ۱۷۴، ۴۰۵، ۳۹۶، ۶۰۶، ۵۹۶) می‌پردازد. قآنی، از تشبیه‌های مجمل رنگ‌محور، ۶۵ مرتبه، بهره برده‌است. برای دیدن نمونه‌های بیشتر به صفحه‌های ۸۹، ۲۴۶، ۲۸۹، ۳۹۶، ۴۷۳، ۵۶۶، ۶۶۹، ۷۰۰، ۷۵۰، ۸۸۱، ۹۰۵ و ۹۸۳ مراجعه کنید.

۷.۷. تشبیه مفصل و صریح

تشبیه مفصل، آن است که وجه‌شبهه در تشبیه ذکر شود. این‌گونه تشبیه، با اطناب توأمست «و آن در مواردی است که شاعر می‌خواهد تشبیه تازه‌ای بیاورد و یا توضیح بیشتری درباره‌ی مشبه یا مقصود به دست دهد و او را بیشتر توصیف کند.» (فرشیدورد، ۱۳۷۳: ۵۲۴) قآنی شیرازی، از این نوع تشبیه‌ها که وجه‌شبهه آن‌ها، رنگ‌های سرخ، سیاه، سفید و زرد است، ۱۸ مرتبه بهره برده‌است. بسامد توصیف معشوق در این نوع تشبیه، بیشتر از دیگر توصیف‌ها است. لب، چشم، زلف، طره، رخ و سرین معشوق، در سرخی، به ناردان، در خیرگی به جان عفريت، در تیرگی، به قلب کافر، در تاریکی به شب‌های زمستان، در تازگی، به روزهای بهار، (همان: ۱۵۵، ۳۱۸، ۴۴۱، ۴۵۵) و در سپیدی به چشمه‌ی روشن (۴۵۵) مانند می‌شود. برای دیدن نمونه‌های بیشتر به صفحه‌های ۲۲۹، ۴۷۴، ۴۷۴، ۵۴۷، ۵۴۹، ۶۲۱، ۶۳۱، ۶۳۲، ۹۰۷ مراجعه کنید.

۸.۷. تشبیه ملفوف

تشبیه ملفوف، نوعی از تشبیه است که در آن مشبّه‌ها جداگانه ذکر شوند، سپس مشبّه‌به‌های هر کدام از مشبّه‌ها، بیان شود. این نوع تشبیه، مبتنی بر صنعت لَفّ و نشر است. قآنی، از این نوع تشبیه ۴ مرتبه با بازتاب رنگ‌های سفید، سیاه و سرخ بهره برده است. در این گونه تشبیه، روی، موی، چهر، لب، خال، زلف، بت ساده، بط و باده مورد توجه قآنی هستند. رخ، در زیر زلف و خط، بر گرد لب، به غاتفر در زنگبار و نوبه در هندوستان شباهت دارد. روی، موی، چهره و لب معشوق، مه روشن، شب تاری، گل سوری و می احمر، است. خال در چهره و زلف بر قامت محبوب، زنگیکی خلدنشین و هندوکی از سرو نگونسار است. بط باده در چنگ بت ساده، همانند لعل بدخشان و ماه درخشان، تصور می‌شود. در این گونه تشبیه‌ها، شاعر به وصف معشوق و باده می‌پردازد و در تصاویر رنگین فشرده و مرکب، توصیف‌هایش را بازتاب می‌دهد.

چوسیمین سرومن، کش هست روی و موی و چهر و لب مه روشن شب تاری گل سوری می احمر
(همان: ۳۳۸)

در چهره‌ی تو خال تو ای غارت کشمیر بر قامت تو زلف تو ای آفت فرخار
چون زنگیکی ساخته در خُلد نشیمن چون هندوکی آمده از سرو نگونسار
(همان: ۳۶۶)

در چنگ بت ساده بط باده تو گویی این لعل بدخشان بود آن ماه درخشان
(همان: ۶۴۱)

هم‌رخش در زیر زلف و هم‌خطش برگرد لب غاتفر در زنگبار و نوبه در هندوستان
(همان: ۶۷۱)

۹.۷. تشبیه مرکب

قآنی در اشعارش، از ۳۸۰ مورد تشبیه با محوریت رنگ، بهره برده است که ۱۲۲ مورد آن مرکب است. این تشبیه، در شعر قآنی جلوه و رنگ ویژه‌ای دارد. این نوع تشبیه، تصویری ذهنی است که چند چیز در به وجود آمدن آن نقش دارند. شاعر، در چارچوب محسوسات، تصویرپردازی می‌نماید و تمام تصاویر او از نوع دیداری هستند. به عبارت دیگر تصاویر او زمینی و آفاقی است. بیشترین بسامد تشبیه مرکب در توصیف معشوق، وصف طبیعت و مدح ممدوحان است؛ بنابراین، درصد فراوانی از تشبیه‌های مرکب او

۲۰۲ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۱، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۹۸ (پیاپی ۴۲)

از نوع حسّی به حسّی است. در تشبیه مرکب طرفین تشبیه باید به گونه‌ای باشند که جداکردن اجزای آن‌ها ممکن نباشد؛ یعنی وجه‌شبه آمیغی و به گونه‌ای است که مخاطب، آن‌ها را یک چیز می‌پندارد. قائلی در شعر زیر، خوشه‌های زلف و خرمن سمن را با زنگیانی می‌سنجد که در روم خوشه‌چینی می‌کنند.

بر گرد خرمن سمنش خوشه‌های زلف گفتمی که زنگیانند در روم خوشه‌چین
(همان: ۷۱۱)

در دندان در دهان معشوق، چون گهر در عمان و زلف تاری بر رخانش، مانند آتش بر دخان است. گل‌اله بر چهره‌ی لاله‌رنگ معشوق، مانند ضیمران بر برگ یاسمن است. چهره‌ی معشوق در جعد مشکین، مانند حواصل زیرغراب است. مشکین گل‌اله بر چهره‌ی معشوق، مانند دو شاخه‌ی ریحان رسته از گلبن است. دندان در لب معشوق، به درّ در میان ناردان، مانند می‌شود. قائلی، در وصف طبیعت نیز تصاویری مرکب می‌پردازد. چکیدن ژاله‌ها بر سرخ‌لاله‌ها، شباهت به درزانه‌های خرد در لعلین پیاله‌ها دارد. سیه‌داغ‌ها در سرخ لاله‌ها، با رنگ سوده‌ی عنبر در بسدین هاون، مقایسه می‌شود. تیر شاه در صف بدخواه، مانند شهابی است که قصد اهرمن دارد. برآمدن خورشید از چرخ نیلی، چون پیدایش شاه از چتر همایون است (همان: ۱۵۷، ۷۰۴، ۶۶۹، ۵۹۶، ۵۱۷، ۶۸۴، ۸۹، ۸۷۷، ۶۳۷). برای دیدن نمونه‌های بیشتر به صفحه‌های ۱۳۵، ۱۷۳، ۲۴۶، ۳۰۹، ۴۰۷، ۵۱۷، ۶۲۵، ۶۷۹، ۷۱۴، ۸۵۱، ۹۱۹، ۹۴۳ مراجعه کنید.

جدول شماره‌ی ۲: بسامد موضوع‌های تشبیه‌های مرکب

ردیف	موضوع تشبیه‌های مرکب و تصاویر رنگین	دفعه / مرتبه	درصد فراوانی
۱	وصف زیبارو و به‌تصویرکشیدن مظاهر زیبایی او	۷۵	۶۱/۴۷
۲	توصیف و تصویرسازی از طبیعت و گل‌ها	۱۵	۱۲/۲۹
۳	توصیف آسمان و طلوع و غروب خورشید و ستارگان	۱۱	۹/۰۱
۴	توصیف میدان‌های جنگ و ابزار و آلت‌های جنگی	۹	۷/۳۷
۵	توصیف و تصویرپردازی از شراب/ می	۳	۲/۴۵
۶	وصف و تصویرپردازی از ممدوح	۴	۳/۲۷
۷	توصیف شمع و شب	۱	۰/۸۱
۸	توصیف نگرستن خود به زیبارو	۱	۰/۸۱
۹	توصیف و تصویرپردازی معانقه با زیبارو	۱	۰/۸۱
۱۰	توصیف و تصویرپردازی از فتنه	۱	۰/۸۱
۱۱	توصیف و تصویرپردازی از بط	۱	۰/۸۱

بازتاب چگونگی پیوند رنگ، رنگ‌واژه‌ها و صور خیال، دردیوان قآنی شیرازی ————— ۲۰۳

جدول شماره ۳: بسامد رنگ‌های آمیغی در تشبیه‌های مرکب

ردیف	رنگ‌های آمیغی و ترکیبی در وجه‌شبه تشبیه‌های مرکب	دفعه / مرتبه	درصد فراوانی
۱	آمیختگی رنگ سیاه و سفید	۵۹	۴۸/۳۶
۲	آمیختگی رنگ سرخ و سفید	۲۱	۱۲/۲۱
۳	آمیختگی رنگ سیاه و سرخ	۱۶	۱۳/۱۱
۴	آمیختگی رنگ سرخ و سبز	۶	۴/۹۱
۵	آمیختگی رنگ سیاه و نیلی (دو رنگ تیره)	۴	۳/۲۷
۶	آمیختگی رنگ سفید و کبود	۲	۱/۶۳
۷	آمیختگی رنگ سفید و خاکستری	۲	۱/۶۳
۸	آمیختگی رنگ سفید و روشن	۲	۱/۶۳
۹	آمیختگی رنگ سبز و سیاه	۲	۱/۶۳
۱۰	آمیختگی رنگ سفید و زرد و سرخ	۲	۱/۶۳
۱۱	آمیختگی رنگ سرخ و کبود	۱	۰/۸۱
۱۲	آمیختگی رنگ سیاه و لاجوردی	۱	۰/۸۱
۱۳	آمیختگی رنگ زرد و بنفش	۱	۰/۸۱
۱۴	آمیختگی رنگ زرد و سیاه	۱	۰/۸۱
۱۵	آمیختگی رنگ سفید و نیلوفری	۱	۰/۸۱
۱۶	آمیختگی رنگ زرد و سفید	۱	۰/۸۱
۱۷	آمیختگی رنگ سرخ و زرد	۱	۰/۸۱

جدول شماره ۴: بسامد انواع تشبیه در اشعار قآنی

ردیف	نوع تشبیه	دفعه / مرتبه	درصد فراوانی
۱	مرکب	۱۲۲	۳۲/۱۰
۲	بلیغ اضافی	۶۷	۱۷/۶۳
۳	بلیغ اسنادی	۶۲	۱۶/۳۱
۴	مجمل	۶۵	۱۷/۱۰
۵	مقید	۳۹	۱۰/۲۶
۶	مفصل و صریح	۱۸	۴/۷۳
۷	جمع	۵	۱/۳۱
۸	ملفوف	۴	۱/۰۵

۸. رنگ و استعاره‌های رنگی در دیوان قآنی

یکی از متداول‌ترین تعریف‌های استعاره، انتقال معنی از عنصری به عنصر دیگر است؛ یعنی عنصری که مفهوم مشخص‌تر و شناخته‌شده‌تری دارد، تمام یا قسمتی از معنای خود را به عنصر دیگری که اغلب کمتر شناخته شده است و دسترس زیادی به آن وجود ندارد، منتقل می‌کند. (قاسم‌زاده، ۱۳۷۹: ۹)

استعاره، از خانواده‌ی مجازهاست و به قلمرو جانشینی زبان متعلق است و معنای مجازی یا ثانوی دارد. در استعاره لفظ بر مبنای تشبیه به جای لفظ دیگر می‌نشیند. «در تشبیه و استعاره، که در واقع یک تشبیه فشرده است، طرفین تصویر مثل دو خط هستند که باید به نقطه‌ی همسانی دو صورت (در وجه‌شبهه و جامع) برسند و در یکن‌قطه همدیگر را قطع کنند. هرچه دو طرف از هم دورتر باشند و با واسطه‌ی کشف رابطه‌ی شباهت، به هم نزدیک‌تر شوند، زیبایی هنری افزون‌تر می‌شود.» (فتوحی، ۱۳۸۹: ۲۷۰-۲۷۱) جرجانی می‌گوید: «فضیلت استعاره در این است که در هر لحظه می‌تواند بیان را صورت تازه‌ای ببخشد و از یک واژه در نتیجه چندین فایده حاصل شود؛ چندانکه در موارد مختلف تکرار شود و با این‌همه در هر موردی مقام خاص خود را داشته باشد و از خصوصیات دیگر آن، یکی این است که معنای بسیار را در لفظ اندک نشان می‌دهد و از یک صدف چندین مروارید بیرون می‌آورد و دایچهز ناقد عصر نیز همین سخن را می‌گوید که استعاره وسیله‌ای است برای گسترش معنی و کشش‌بخشیدن آن.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۶۶: ۱۱۲) میان تعریفی که شمیسا از استعاره به‌دست‌داده و آن را «بزرگ‌ترین کشف هنرمند» و «کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح ابزار نقاشی در کلام»، دانسته (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۴۱-۱۴۲) و دیدگاه رضایی که اقبال نویسندگان خلاق را به صنایع بدیعی نظیر تشبیه و استعاره با شور و سرزندگی‌بخشی به شعر مرتبط می‌داند (رضایی، ۱۳۸۲: ۵۲) و نگرش ویژه‌ی قآنی به پردازش رنگارنگ و گونه‌گون انواع صورخیال و به‌ویژه استعاره، پیوندی ناگسستنی هست.

قآنی ۲۳۵ مورد از استعاره با محوریت رنگ‌های سفید، سیاه، سرخ، زرد و سبز، بهره برده است. مشک تر، ضیمران، غالیه، عنبر، مشک، سنبل و عنبرسارا، بنفشه، مشک‌چین، عنبرسارا، نافه ادمن، مشک‌چین و سنبل، الفاظ مستعار در وصف زلف معشوق و همگی یادآور رنگ سیاه‌اند که ایهامی به بوی نیز دارند. (قآنی شیرازی، ۱۳۸۰: ۹۳۹، ۸۹۹، ۸۶۱)

بازتاب چگونگی پیوند رنگ، رنگ‌واژه‌ها و صور خیال، دردیوان قآنی شیرازی _____ ۲۰۵

۷۲۱، ۶۳۳، ۲۵۱) ارغوان، گلبرگ طری، سرخ‌گل، گل‌سوری، گل، لاله، گل، لاله‌ی احمر (همان: ۹۳۹، ۸۹۹، ۸۶۱، ۲۵۱)، استعاره از چهره و اندام معشوق‌اند. مه، ستاره، آفتاب، سیم ساده و لوح نقره نیز استعاره از چهره و اندام معشوق‌اند. قآنی در وصف شراب و جام از واژگان چشم خروس، خون کبوتر، سرخ مرجان تر، می مرجان‌گهر و لؤلؤخشک، برای تداعی رنگ‌های سرخ و روشن بهره می‌برد. زرین‌عنکبوت، زرین‌لعاب، عقاب‌زرین‌پر، شوشه‌ی زر، طشت زردفام، زردمژه، سیمین‌مگس، مهره‌های سپید و سپیدآهوکان، (همان: ۵۰، ۱۹۲، ۳۱۸، ۲۶۲، ۱۴۴)، الفاظ مستعاری هستند که رنگ‌های زرد و سرخ را تداعی می‌کنند. بسامد استعاره در اشعار زیر بیانگر اشتیاق قآنی در پردازش گزاره‌های استعاری برای توصیف باده، چهره و اندام معشوق است:

ناشده از لب فرو پیدا شود رنگش ز چشم لاله‌ای بین کاو به نرگس ارغوان می‌پرورد (همان: ۹۳۸)

سمن برکاج و گل بر سرو و مه بر نارون بندد شبه بر عاج و شب‌برروز و سنبل بر سمن دارد (همان: ۱۵۵)

زیبیک به سیم و ژاله به زیبیک می‌پاش هان سوسن به مشک و لاله به عنبر می‌پوش هین (همان: ۷۲۲)

برای دیدن نمونه‌های بیشتر به صفحه‌های ۷۰، ۷۸، ۱۵۳، ۲۵۶، ۳۱۰، ۳۷۸، ۵۵۵، ۶۳۷، ۶۷۵، ۷۷۷، ۸۳۹، ۸۹۶ و ۹۶۵ مراجعه کنید.

جدول شماره ۵: تعداد و درصد فراوانی رنگ در استعاره‌های شعر قآنی

ردیف	رنگ‌ها	مرتب‌ه / دفعه	درصد فراوانی
۱	رنگ سفید	۱۰۸	۴۵/۹۵
۲	رنگ سیاه	۶۰	۲۵/۵۳
۳	رنگ سرخ	۵۴	۲۲/۹۷
۴	رنگ زرد	۱۲	۵/۱۰
۵	رنگ سبز	۱	۰/۴۲

۲۰۶ _____ مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۱، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۹۸ (پیاپی ۴۲)

جدول شماره‌ی ۶: بسامد تعداد و درصد واژه‌های تداعی‌کننده‌ی رنگ در استعاره‌های شعر قآنی

ردیف	مستعاره (مشبه)	دفعات / تکرار	درصد فراوانی
۱	رخسار (چهره)	۷۰	۲۹/۷۸
۲	زلف (مو)	۵۷	۲۴/۲۵
۳	اشک	۱۴	۵/۹۵
۴	ستارگان	۱۳	۵/۵۳
۵	چشم	۱۰	۴/۲۵
۶	لب	۸	۳/۴۰
۷	تن (اندام)	۷	۲/۹۷
۸	خون	۶	۲/۵۵
۹	خورشید	۶	۲/۵۵
۱۰	دندان	۵	۲/۱۲
۱۱	نور خورشید	۵	۲/۱۲
۱۲	خط یار	۴	۱/۷۰
۱۳	سپیدی چهره	۴	۱/۷۰
۱۴	می	۳	۱/۲۷
۱۵	برف	۳	۱/۲۷
۱۶	سرین	۲	۰/۸۵
۱۷	حلقه‌های زرد نرگس	۲	۰/۸۵
۱۸	موارد دیگر	۱۸	۷/۶۵

جدول شماره‌ی ۷: تحلیل آماری و درصد فراوانی رنگ‌ها در قالب‌های شعری

رنگ	قصیده	غزل	مسمط	ترکیب بند
سپاه	۲۶۰	۲۳	۲	۳۲
سرخ	۱۸۵	۴	۱۲	۵
سفید	۱۴۳	۱	۴	۳
زرد	۶۱	۴	۱	۳
سبز	۵۴	-	-	۵
ارغوانی	۵	-	-	۲
لاجوردی	۳	-	-	۲
خاکستری	۳	-	-	-
فیروزه‌ای	۴	-	-	-

۲	-	-	-	نیلوفری
۱	-	-	-	آبی
۱	-	-	-	بنفش
-	-	۲	-	خرمایی
۱۱	-	-	۱	کبود
۱۱	-	-	-	نیلی
۲	-	-	-	مینایی
۲	-	-	-	ازرق

۹. نتیجه‌گیری

قآنی، نگارگری چربدست و تصویرآفرینی آگاه است. جلوه‌های رنگ در کارگاه خیال و اندیشه‌ی شاعرانه‌ی او، در آشتی با قریحه‌ی زندگی‌پرداز و وصاف شاعر است. فشردگی تصاویر رنگین در شعر قآنی، خواننده را دل‌زده نمی‌کند. بیشترین تصاویر رنگین در شعر قآنی مربوط به وصف روز و شب، ابر، گل‌ها و لاله‌ها، معشوق، باده و جنگ‌ها و پیروزی‌های ممدوحان است. در دیوان قآنی، بانگ، آوا، رنگ، حرکت و غلغله، به هم پیوسته‌اند. حس مثبت زندگی‌پرستانه و شادخوارانه‌ی قآنی در تصاویر رنگارنگ شاعر، بازتاب دارد و شاید بتوان این موضوع را به جغرافیای شیراز، مربوط دانست. قآنی در بهره‌گیری از رنگ و آنچه تداعی رنگ می‌نماید، یکی از برجسته‌ترین شاعران زبان فارسی است و می‌توان در این زمینه او را ادامه‌ی خاقانی‌شروانی در تصویرآفرینی، دانست. تشبیه، استعاره و اضافات توصیفی برای تصویرآفرینی مبتنی بر عنصر رنگ، بسامد فراوانی در دیوان شاعر دارد. بیشترین توجه شاعر به امور حسی - است. او به شدت از آوردن تصاویر انتزاعی، گریزان است. قآنی به معنای لغوی واژه‌ی رنگ نیز توجه داشته و این واژه را در معانی لون و فام، نیرنگ و فریب، شیوه و آیین، رونق و زیبایی، گوسفند و بز کوهی و محنت و رنج، به‌کار برده است. قآنی، از رنگ سیاه ۳۸۱، رنگ سرخ ۳۶۰، رنگ سفید ۲۸۹، رنگ زرد ۹۱، و رنگ سبز ۶۹ بار در اشعارش بهره‌برده است. وی برای پرهیز از تکرار و یکنواختی تصاویرش، از نام‌های جغرافیایی، تاریخی، قهرمانان شاهنامه، اسامی مکان‌ها، حیوانات، پرندگان، کانی‌ها، فلزات گران‌بها، ابزارآلات جنگ، عطرها و گل‌های گوناگون، برای گسترش عرصه‌ی صورخیال و پردازش گزاره‌های نگارین و رنگ‌آمیز، بهره‌می‌گیرد. دایره‌ی صورخیال و

گونه‌گونی رنگ در قصاید، ترکیب‌بندها و غزل‌های قآنی، گسترده‌تر از مسط‌هایش است. از نگاه آماری، بیشترین توجه قآنی در تصویرپردازی‌های استعاری و تشبیهی، به توصیف معشوق، طبیعت، باده و امور مربوط به مدح ممدوحان است. قآنی در پردازش صورخیال به تشبیه بلیغ، استعاره‌ی مصرحه و اضافه‌های تشبیهی حسی، علاقه‌ی بسیاری دارد. از جمله روش‌هایی که قآنی با آن ادعاهای شاعرانه و هنری خود را بازتاب می‌دهد، بهره‌گیری از تشخیص، استعاره، انواع تشبیه و مخصوصاً تشبیه مرکب، با کاربرد رنگ است. وی، با تلفیق رنگ در تاروپود شعر و جان‌بخشی به پدیده‌ها، تابلوهای نقاشی پویا و زنده می‌سازد و از ایستایی و یکنواختی شعر پرهیز می‌نماید. قآنی شاعری طبیعت‌دوست و عاشق است که قلبش با طبیعت می‌تپد. وی در ترسیم تصاویر حسی و طبیعی بسیار موفق بوده است. پربسامدترین رنگ‌ها در دیوان قآنی، سیاه، سرخ و سفید است که در وصف زلف، رخسار، چشم، لب، تن معشوق و توصیف شراب و صبح، کاربرد دارد. در تصاویر مرکب و آمیغی، بسامد رنگ‌های سیاه و سفید، سرخ و سفید، سیاه و سرخ، بیشتر از دیگر ترکیب‌های رنگی است. مضمون تشبیه‌های مرکب قآنی، بیشتر شامل وصف معشوق، طبیعت و گل‌ها، طلوع و غروب خورشید و ستارگان می‌شود. در طبقه‌بندی گونه‌های تشبیه، بین بسامد تشبیه‌ها و بسامد کاربرد رنگ در اشعار قآنی، رابطه‌ای مستقیم هست. تشبیه مرکب، بلیغ اضافی، بلیغ اسنادی و مجمل، بیشترین بسامد را در دیوان قآنی دارند. او در پردازش تصاویر استعاری رنگ‌محور، از رنگ‌های سفید، سیاه و سرخ، بیشتر استفاده کرده است. در استعاره‌های قآنی، تصویرهای مربوط به معشوق، باده، وصف طبیعت و طلوع و غروب خورشید بر دیگر پدیده‌ها برتری دارند.

منابع

- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*. تهران: فرانکلین.
- ابراهیمی، مختار. (۱۳۹۲). «قآنی شیرازی در مکتب بازگشت در دوره‌ی قاجار». *فصل‌نامه‌ی علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی*، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱۴، صص ۴۵-۶۲.
- انوشه، حسن. (۱۳۷۶). *فرهنگ‌نامه‌ی ادبی فارسی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- اویسی، عبدالعلی. صادقی، حسین. (۱۳۹۴). «آموزه‌های ادب تعلیمی در پریشان قآنی». *پژوهش‌نامه‌ی ادبیات تعلیمی*، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲۷، صص ۲۷-۵۸.

بازتاب چگونگی پیوند رنگ، رنگ‌واژه‌ها و صور خیال، در دیوان قآنی شیرازی ————— ۲۰۹
حسن‌لی، کاووس. صدیقی، مصطفی. (۱۳۸۲). «تحلیل رنگ در سروده‌های سهراب سپهری». نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی شهید باهنر کرمان، پیاپی ۱۳، صص ۶۱-۱۰۳.

رستگارفسائی، منصور. (۱۳۸۰). آشتی با قآنی. تهران: باورداران.
رضایی، عربعلی. (۱۳۸۲). واژگان توصیفی ادبیات. تهران: فرهنگ معاصر.
رضایی، کاووس و فرهمند، رویین‌تن. (۱۳۹۱). «تأثر قآنی از حافظ». مطالعات ادبی، دوره‌ی ۷، شماره‌ی ۲۶، صص ۱۲۸-۱۴۹.

زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹). با کاروان حله. تهران: علمی.
سادکا، دوی. (۱۳۹۰). روان‌شناسی رنگ‌ها. ترجمه‌ی محمدرضا آل‌یاسین، تهران: هامون.
شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶). صورخیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.
شمیسا، سیروس. (۱۳۷۰). بیان. تهران: فردوس.

صادقیان، محمدعلی. (۱۳۷۱). طراز سخن در معانی و بیان. یزد: ریحانه‌الرسول.
صدیقی، مصطفی. (۱۳۸۴). جستجوی خوش خاکستری. تهران: روشن‌مهر.
صفری، جهانگیر و زارعی، فخری. (۱۳۸۹). «بررسی عنصر رنگ در دیوان خاقانی». مطالعات زبانی بلاغی، شماره‌ی ۱، صص ۸۱-۱۰۷.

فتوحی، محمود. (۱۳۸۹). بلاغت تصویر. تهران: سخن.
فرشیدورد، خسرو. (۱۳۷۳). درباره‌ی ادبیات و نقد ادبی. ج ۲، تهران: امیرکبیر.
فؤادیان، محمد و عزیزی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «سبک شعری قآنی و تاثیرپذیری آن از ادبیات مصنوع مملوکی و عثمانی». سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، دوره‌ی ۲، صص ۷۷-۹۹.

قآنی شیرازی، میرزاحبیب. (۱۳۸۰). دیوان اشعار. تصحیح امیر صانعی. تهران: نگاه.
قاسم‌زاده، حبیب‌الله. (۱۳۷۹). استعاره و شناخت. تهران: فرهنگیان.
کرمی، محمدحسین و همکاران. (۱۳۹۴). «زبان الکنان: بررسی و تحلیل مقایسه‌ای دو سروده‌ی انوری و قآنی». کهن‌نامه‌ی ادب پارسی، سال ۶، شماره‌ی ۲، صص ۹۷-۱۱۴.

لوشر، مارکس. (۱۳۸۸). روان‌شناسی رنگ‌ها. ترجمه‌ی ویدا ابی‌زاده. تهران: درسا.
مجوزی، محمد و مجوزی، رمضان. (۱۳۹۵). «سبک‌شناسی زبان موسیقایی شعر قآنی شیرازی». پژوهش‌های ادبی و بلاغی پیام نور، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۳، صص ۱۱۵-۱۳۰.

- ۲۱۰ ————— مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) / سال ۱۱، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۹۸ (پیاپی ۴۲)
- مرادی، محمد. (۱۳۹۵). «تنوع متمایز رنگ در اشعار حسین منزوی و تحلیل جلوه‌های نوآورانه و تقلیدی آن». شعرپژوهی، سال ۸، شماره‌ی ۳، صص ۱۴۰-۱۶۶.
- مؤتمن، زین‌العابدین. (۱۳۶۴). شعر و ادب فارسی. تهران: زرین.
- نیکوبخت، ناصر و قاسم‌زاده، سیدعلی. (۱۳۸۴). «زمینه‌های نمادین رنگ در شعر معاصر». نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره‌ی ۱۸، پیاپی ۱۵، صص ۲۰۹-۲۳۸.
- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۳). چشمه‌ی روشن. تهران: علمی.
- (۱۳۷۲). برگ‌هایی در آغوش باد. ج ۲، تهران: علمی.